



گسترش نهاد وکالت؛ مهم‌ترین اقدام سیاسی، فرهنگی و اجتماعی امام کاظم(ع)

مهم‌ترین اقدام سیاسی، فرهنگی و اجتماعی امام کاظم(ع) گسترش نهاد وکالت بود که گستره آن تا اندازه‌ای بود که حتی بسیاری از افراد فکر می‌کردند که امام(ع) در حال کادرسازی و اقدام مخفیانه برای به دست گرفتن حکومت و خلافت و قیام علیه عباسیان است.

مهم‌ترین اقدام سیاسی، فرهنگی و اجتماعی امام کاظم(ع) گسترش نهاد وکالت بود که گستره آن تا اندازه‌ای بود که حتی بسیاری از افراد فکر می‌کردند که امام(ع) در حال کادرسازی و اقدام مخفیانه برای به دست گرفتن حکومت و خلافت و قیام علیه عباسیان است.

حجت‌الاسلام و المسلمین حمیدرضا مطهری، عضو هیئت علمی و رئیس گروه سیره اهل بیت(ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، با اشاره به این نکته که یکی از مولفه‌های مهم در شناخت امام(ع) و سیره او، شناخت عصر و دوران اوست، به تبیین وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر امام هفتم(ع) شیعیان و اقدامات ایشان در این زمینه‌ها پرداخت.

مطهری در ابتدا با اشاره به هم‌زمانی دوران امامت امام کاظم(ع) و دوران آغازین خلافت عباسی، گفت: در این دوره حکومت عباسیان عصر تثبیت را گذرانده و به ثباتی نسبی رسیده بود. آنان مشکلاتی را که در درون حکومت‌شان بود، برطرف کرده و اقتدار خود را بر سرزمین‌های تحت سیطره خود تثبیت کرده بودند و همین امر باعث شد که به تدریج و علی‌رغم شعارهای اولیه‌شان در باب خون‌خواهی و حمایت آل محمد(ص) از اهل بیت(ع) و از علویان فاصله گرفتند و شروع به سرکوب و تحت فشار قرار دادن علویان کردند که نمونه بارز آن را در سرکوب قیام‌هایی که از جانب علویان در زمان منصور اتفاق افتاد، می‌بینیم.

یکی از دلایل شکل‌گیری نهاد وکالت گسترش جامعه اسلامی بود. طبیعتاً با توجه به گسترش جامعه اسلامی امکان ارتباط با امام(ع) برای همه شیعیان و همه مسلمانان فراهم نبود و لازم بود که برخی به عنوان نماینده امام(ع) در این مناطق حضور داشته باشند تا پاسخگوی سؤالات مردم باشند.

وی ادامه داد: اگر چه در این دوره که هم‌زمان با دوره امامت امام صادق(ع) بود، سخت‌گیری محسوس و اقدام نظامی آشکاری علیه ایشان صورت نگرفت، اما به تدریج فشارها بر آن حضرت نیز زیاد شد؛ به طوری که روابط شیعیان با امام صادق(ع) دچار مشکل شد و این روند در دوران امام کاظم(ع) شدت یافت.

مطهری برای فهم وضعیت دشوار امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) نگاهی به تعیین جانشین و وصی از سوی امام صادق(ع) را کافی دانست و بیان کرد: وقتی که امام صادق(ع) از دنیا رفتند و در حالی که در موارد و در مجالس متعدد، به صورت آشکار و با نص صریح، امام کاظم(ع) را در میان شیعیان و به ویژه نزد دانشمندان و علمای برجسته شیعه به عنوان جانشین خود معرفی کرده بودند، به دلیل خطری که امام کاظم(ع) را تهدید می‌کرد، در وصیت‌نامه خود که به دست عموم مردم جامعه و به صورت مشخص خلیفه می‌رسید، به جای يك نفر از چند نفر به عنوان وصی خود یاد کرده‌اند.

عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت(ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی افزود: در واقع منصور به حاکم مدینه دستور داده بود که جانشین امام صادق(ع) و وصی ایشان را از بین ببرد، اما وقتی که به وصیت‌نامه ایشان مراجعه کردند، دیدند که علاوه بر امام کاظم(ع)، از خود منصور و حاکم مدینه نیز به عنوان وصی امام(ع) یاد شده است. امام صادق(ع) در واقع با این اقدام

باعث حفظ جان امام کاظم(ع) شدند، اما این وصیت و این اقدام نشان‌دهنده میزان اختناق و فشاری است که در ابتدای دوران امامت امام کاظم(ع) وجود داشت.

وی افزود: البته باید توجه داشت که مقصود از وصی، نه جانشین، بلکه کسی است که از طرف کسی که از دنیا رفته، موکل است تا امور او را پیگیری کند و در واقع امام صادق(ع) با این کار خود که نشان‌دهنده اوج خفقان در عصر منصور است، خطر را از امام کاظم(ع) دفع کردند.

دستگاه خلافت عباسی در پی این بود که رفتار امام و روابط مردم و امام را تحت کنترل داشته باشد و به همین علت بسیاری از افراد به راحتی نمی‌توانستند به راحتی به خدمت امام برسند و از همین روی نیاز به واسطه‌هایی بود که این واسطه‌ها سؤال‌ها و شبهات مردم را گرفته و خدمت امام مطرح و پاسخ‌ها را نیز از طرف امام به مردم منتقل کنند

مطهری همچنین با اشاره به سخت‌گیری‌هایی که در دوره مهدی و هادی عباسی نسبت به امام کاظم(ع) وجود داشت، عنوان کرد: برخی اخبار هست که مهدی عباسی امام(ع) را دستگیر کرد و بعد به واسطه خوابی که دید امام(ع) را آزاد کرد و با احترام بازگرداند. زمان هادی عباسی نیز از دوران‌هایی است که بر شیعیان و علویان و به طور مشخص بر امام کاظم(ع) سخت گذشت؛ دوره‌ای که علویان در مناطق مختلف، از جمله حتی در شهر مدینه، تحت فشار قرار گرفتند و این فشارها باعث شکل‌گیری قیام حسین بن علی از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) معروف به شهید فخر شد که در نزدیکی مکه توسط سپاهیان عباسی سرکوب و همراه با تعداد زیادی از یارانش کشته شد.

وی با اشاره به تأکید هادی عباسی بر این‌که این فرد به دستور موسی بن جعفر(ع) قیام کرده است، گفت: هادی عباسی در واقع امام موسی بن جعفر(ع) را عامل و باعث این قیام می‌دانست و لذا قسم یاد کرد که ایشان را به شهادت برساند که البته مهلت پیدا نکرد و خود او از بین رفت و کشته شد. اما امام کاظم(ع) این قیام را در موارد متعدد تأیید کردند؛ از جمله در حضور فرمانده سپاه عباسی و زمانی که سر حسین بن علی شهید فخر را آوردند، امام برای او دعا کرد و به صالح بودن او و این‌که اهل امر به معروف و نهی از منکر بوده و مواردی از این دست اشاره می‌کنند که نشان‌دهنده موضع امام کاظم(ع) نسبت به اوست.

این محقق و پژوهشگر تاریخ اسلام درباره سال‌هایی از دوران امامت امام کاظم(ع) که با دوران حکومت هارون هم‌زمان بوده است، به تفاوت‌هایی در رفتار هارون نسبت به سایر دوره‌ها اشاره کرد و گفت: در ابتدای دوره هارون روابط خیلی خصمانه نیست و سختگیری چندانی بر امام(ع) وجود ندارد، اما در دوره دوم سختگیری زیاد می‌شود. در عصر اول هارون به شکل‌های مختلف تلاش می‌کند که جایگاه امام کاظم(ع) و جایگاه علویان را پائین بیاورد، اما امام(ع) در مقابل او اقدامات متقابلی را انجام می‌دهند و در مواردی او را ناچار به اعترافات می‌کند، اما دوره دوم همان دوره‌ایست که به شهادت امام کاظم(ع) توسط هارون می‌انجامد.

رئیس گروه سیره اهل بیت(ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در ادامه و در ارتباط با وضعیت فرهنگی دوران امامت امام صادق(ع) با اشاره به شکل‌گیری فرقه‌های مختلف مذهبی از يك سو و ورود افکار و اندیشه‌های انحرافی از سوی دیگر به جامعه اسلامی، عنوان کرد: در این دوره فرقه‌هایی هم در خود شیعه و هم در میان اهل سنت مانند اسماعیلیه، فتحیه، زیدیه که از قبل هم وجود داشت، مرجئه، معتزله، اشاعره و ... شکل گرفتند و در جامعه اسلامی حضور داشتند که هر کدام از این‌ها به نوعی آن اسلام اصیل را مورد تهدید قرار می‌دادند. از طرف دیگر نیز افکار و اندیشه‌های انحرافی هم از بیرون از جامعه اسلامی به اندیشه‌های اسلامی وارد می‌شد و لازم بود که با این افکار و اندیشه‌ها نیز مقابله شود.

مطهری در خصوص شرایط اجتماعی و وضعیت جامعه مسلمان در این دوره بیان کرد: در این زمان جامعه اسلامی و مخصوصاً مراکز مهم فرهنگی و شهرهای مهم جامعه اسلامی دچار بحران شده بودند. اگر ما نگاهی به وضعیت جامعه آن زمان بغداد داشته باشیم می‌بینیم که از جهت غنا و موسیقی و لهو و لعب، این شهر در اوج خود قرار دارد و همه این‌ها در واقع انحرافات را در جامعه اسلامی به وجود می‌آورد و در این جا و با توجه به شرایطی که برشمرده شد، امام کاظم(ع) تنها پایگاه مهم و تنها ملجأ جامعه اسلامی برای مبارزه با این انحرافات اجتماعی و فرهنگی هستند.

یکی از مهم‌ترین اقدامات امام(ع) برای چنین فضا و در چنین وضعیتی به‌کارگیری سیاست تقیه است. سیاست تقیه در واقع به عنوان يك سپر محافظت‌کننده از جامعه شیعه و حتی به طور کلی برای حفاظت اسلام اصیل، همواره مورد تأکید ائمه(ع) بود

وی با اشاره به اقدامات خاصی که امام کاظم(ع) در چنین شرایطی به انجام رساندند، عنوان کرد: یکی از مهم‌ترین اقدامات امام(ع) برای چنین فضا و در چنین وضعیتی به‌کارگیری سیاست تقیه است. سیاست تقیه در واقع به عنوان يك سپر محافظت‌کننده از جامعه شیعه و حتی به طور کلی برای حفاظت اسلام اصیل، همواره مورد تأکید ائمه(ع) بود و در برابر دشمنان از این روش استفاده می‌کردند و یاران خود را هم به به کارگیری سیاست تقیه توصیه می‌کردند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی از تأکید امام کاظم(ع) بر حق اهل بیت(ع) و پیامبر(ص) به عنوان یکی دیگر از شاخصه‌های سیره ایشان اشاره کرد که در موارد متعدد با اشاره به نسبت خود امام کاظم(ع) با پیامبر(ص) و جایگاه و مرتبه‌شان با توجه به این انتساب بیان شده است.

مطهری از مأمور شدن برخی از شخصیت‌های برجسته شیعی در دستگاه حکومت و از سوی امام موسی کاظم(ع) به عنوان یکی دیگر از موارد قابل توجه در اقدامات ایشان یاد کرد و گفت: اگر چه امام کاظم(ع) همکاری با حکومت جور را قبول نداشتند و آن را ظلم به شیعیان می‌دانستند، اما گاهی اوقات خود امام به برخی از افراد مأموریت می‌دادند که با حضور در دستگاه حکومت هم کمکی برایضعفای شیعه شوند و هم خطر را از بعضی از شیعیان دفع کنند. در عین حال خود امام همواره مراقب بودند که شیعیانی را که از طرف آن حضرت در دستگاه حکومت به عنوان مأمور نفوذ کرده و حضور دارند، خطری تهدید نکند که نمونه بارز آن ماجرای علی بن یقطین است.

وی مهم‌ترین اقدام سیاسی، فرهنگی و اجتماعی امام کاظم(ع) را گسترش نهاد وکالت دانست و بیان کرد: نهاد وکالت در واقع سازمانی بود که در عصر امام صادق(ع) به دلایل مختلف شکل گرفت. یکی از دلایل شکل‌گیری نهاد وکالت گسترش جامعه اسلامی بود. طبیعتاً با توجه به گسترش جامعه اسلامی که از شرق به مرزهای چین و از غرب به جنوب فرانسه رسیده بود، امکان ارتباط با امام(ع) برای همه شیعیان و همه مسلمانان فراهم نبود و لازم بود که برخی به عنوان نماینده امام(ع) در این مناطق حضور داشته باشند تا پاسخگوی سؤالات مردم باشند؛ افرادی که در صورت لزوم با امام(ع) ارتباط برقرار می‌کردند و امام(ع) نیز پاسخ‌های لازم را به آن‌ها می‌دادند.

مطهری سعی حاکمیت برای نظارت بر رفتار امام صادق(ع) و کنترل ایشان و در نتیجه اعمال محدودیت حاکمیت بر ارتباط امام و شیعیان را دلیل مهم‌تر و دلیل اصلی شکل‌گیری نهاد وکالت دانست و بیان کرد: دستگاه خلافت عباسی در پی این بود که رفتار امام و روابط مردم و امام را تحت کنترل داشته باشد و به همین علت بسیاری از افراد به راحتی نمی‌توانستند به راحتی به خدمت امام برسند و از همین روی نیاز به واسطه‌هایی بود که این واسطه‌ها سؤالات و شبهات مردم را گرفته و خدمت امام مطرح و پاسخ‌ها را نیز از طرف امام به مردم منتقل کنند. این خفقان سیاسی باعث شد که امام صادق(ع) به سمت ایجاد نهادی به نام نهاد وکالت برود؛ نهادی

که در عصر امام کاظم(ع) هم ادامه و تقویت یافت و با تقویت آن در دوران سایر ائمه(ع) مقدمه‌ای برای عصر غیبت شد تا شیعه در این عصر با بحران مواجه نشود.

رئیس گروه سیره اهل بیت(ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی عنوان کرد: گسترش نهاد وکالت در عصر امام کاظم(ع) تا اندازه‌ای بود که حتی بسیاری از افراد فکر می‌کردند که امام کاظم(ع) در حال کادرسازی و اقدام مخفیانه برای به دست گرفتن حکومت و خلافت و قیام علیه عباسیان است. بنابراین گسترش نهاد وکالت چیزی بود که در عصر امام کاظم(ع) به آن توجه ویژه شد و در عین حالی که افراد زیادی بودند که با امام کاظم(ع) ارتباط مستقیم داشتند و نمونه بارز آن شاگردان مطرح و مهم ایشان بودند، افراد متعددی از ایشان، ضمن استفاده از محضر امام(ع)، پاسخ‌های امام(ع) را به پرسش‌ها و نامه‌های افراد به آنان منتقل می‌کردند و بر این اساس می‌توان از گسترش این نهاد به عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی امام کاظم(ع) نام برد.